

# طبقه بندی دانش‌های عقلی

(یا گونه های فلسفه)

نوشته خواجه نصیر الدین طوسی

ترجمه علی اوجبی

**اشاره:** نوشتار حاضر برگردان یکی از کوتاه نوشته‌های خواجه با عنوان اقسام الحکمة است. اساس ترجمه، متنی است که از سوی استاد عبدالله نورانی تصحیح و در سال ۱۳۵۹ در انتهای کتاب تلخیص المحصل از سوی انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است.  
کتاب ماه فلسفه

حکمت دو گونه است: نظری و عملی. حکمت عملی سه گونه است: علم اخلاق، علم منزل و علم سیاست. حکمت نظری نیز سه گونه است: طبیعی، ریاضی و الاهی.

حکمت طبیعی اصول و فروعی دارد:

اصول حکمت طبیعی هشت است:

۱. بحث از امور عامه اجسام طبیعی چون حرکت، سکون، نهایت و بی نهایت
۲. ارکان جهان و حرکتها، طبیعتها و جایهای طبیعی شان.
- کتاب آسمان و جهان [= السماء و العالم] حاوی این مباحث است.
۳. کون و فساد
۴. آثار علوی و اموری چون تخلخل و تکائف که پیش از امتزاج به اجسام عنصری ملحق می شود.
۵. معادن
۶. گیاهان
۷. حیوان
۸. نفوس و قوای آنها. کتاب حاس و محسوس حاوی این مباحث است.

فروع دانش طبیعی هفت است:

۱. طب
۲. احکام نجوم
۳. علم فراست
۴. علم تعبیر

۴. اثبات جواهر روحانی  
 ۵. چگونگی ارتباط پدیده های تأثیر پذیر زمینی با قوای تأثیرگذار آسمانی؛ و چگونگی نظم ممکنات و استناد آنها به مبدأ نخستین  
 فروع دانش الهی دو است:  
 ۱. بحث از چگونگی وحی و محسوس شدن معقول تا آنجا که پیامبر بتواند فرشته را ببیند و سخنش را بشنود؛ و تعریف الهامها و روح الامین.  
 ۲. معاد روحانی و اینکه عقل به تنهایی نمی تواند معاد جسمانی را درک و بررسی کند و شریعت حقه مصطفوی است که می تواند آن را بسط دهد. عقل تنها می تواند نیکبختی و بدبختی نفوس بشری پس از جدایی از بدن را اثبات کند.  
 اما دانش منطق که ابزار دانشها و خدمتگزار تمامی آنهاست نه بخش دارد:  
 ۱. ایساغوجی: یعنی مدخل. فروریوس آن را ابداع کرد، و آن بحث از کلیات خمس است.  
 ۲. قاطیغوریاس = مقولات: بحث از معانی مفرد ذاتی است.  
 ۳. باریرمیناس = عبارت: عبارت است از چگونگی ترکیب این معانی تا قابل صدق و کذب باشند.  
 ۴. انولوطیقا ی اول = قیاس: بیان چگونگی ترکیب قضایا است تا بوسیله آن علم به مجهول به دست آید.  
 ۵. ابودقطنیا = انولوطیقای دوم: یعنی برهان  
 ۶. طوبیقا: یعنی جدل  
 ۷. سوفسطیقا: یعنی مغالطه  
 ۸. ریطوریقا: یعنی خطابه  
 ۹. بوطنیقا: یعنی شعر  
 بنابر این شاخه های حکمت با منطق چهل و چهار است و بدون آن سی و پنج؛ و خدا داناتر است.

۵. علم طلسمات؛ و آن عبارت است از آمیختن قوای آسمانی به قوای زمینی تا قوه ای به دست آید که مبدأ فعل غریب بر روی زمین باشد.  
 ۶. علم نیرنجات، و آن عبارت است از آمیختن قوای جواهر زمینی تا قوه ای به دست آید که از آن فعل غریب صادر شود.  
 ۷. علم کیمیا، و آن عبارت است از تبدیل احرام معدنی به یکدیگر تا طلا و نقره و چیزهای دیگر به دست آید.

دانش ریاضی نیز اصول و فروعی دارد:

اصول دانش ریاضی چهار است:

۱. علم عدد
  ۲. علم هندسه
  ۳. علم هیئت
  ۴. علم موسیقی
- فروع دانش ریاضی شش است:
۱. علم جمع و تفریق
  ۲. علم جبر و مقابله
  ۳. علم مساحت
  ۴. علم جر ائقال [= کشیدن و جابجا کردن اشیای سنگین]
  ۵. علم زیجات و تقویم. این از فروع هندسه است.
  ۶. علم ابزار غریب و ناآشنا، چون ارغنون. این از فروع علم موسیقی است.

دانش الهی نیز اصول و فروعی دارد:

اصول دانش الهی پنج است:

۱. امور عامه، چون علیت و معلولیت
۲. نظر در موضوع دانشهای زیرین
۳. اثبات علت نخستین، وحدانیتش و آنچه شایسته جلال

اوست.